

## توسعه کشاورزی در حومه شهر «بخش مرکزی شهرستان اصفهان»

سید هدایت‌الله نوری\*

چکیده

تابودی کشاورزی و تغییر کارکرد اقتصادی نواحی اطراف شهرهای بزرگ از مهمترین پیامدهای رشد فیزیکی و گسترش شعاع نفوذ اینگونه شهرها است. وقوع روند فوق در ناحیه روستایی حاشیه شرقی شهر اصفهان - ناحیه‌ای که به جهت استعداد کشاورزی آن، به عنوان قطب کشاورزی منطقه اصفهان شناخته شده است<sup>۱</sup> - موضوع اصلی این مقاله است. نویسنده در این نوشتار، نخست مروری دارد بر وضعیت موجود و توانهای محیطی منطقه و روند تغییر و تحولات انجام شده و پیامدهای ناشی از آن و در ادامه در جستجوی راهبردی جهت حفظ و توسعه کشاورزی منطقه برآمده است. در این راهبرد، که ملهم از مدل «توسعه روستا شهر Agropolitan development» است، مجموعه پیشنهاداتی با هدف اولیه جلوگیری از تضعیف بیشتر کشاورزی منطقه و هدف نهایی دستیابی به ناحیه کشاورزی توسعه یافته بر مبنای توسعه همه جانبه روستایی با محوریت توسعه کشاورزی، ارائه گردیده است.

\*- عضو هیأت علمی گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

## مقدمه

در مناطق روستایی حاشیه شهرهای بزرگ، ساختار روستایی بتدریج بی‌رنگ شده و ساختاری بی‌هویت - مخلوط از ویژگی‌های شهری و روستایی - غالب می‌شود. طبیعی است که متعاقب افزایش نفوذ شهر و تغییر ساختار روستایی، کشاورزی منطقه نیز آسیب خواهد دید و در برابر فعالیتهای غیرکشاورزی به ویژه فعالیتهای ساختمانی، بورس بازی زمین و صنعت عقب‌نشینی نموده و بتدریج نابود می‌گردد.

روند تغییرات فوق در بخش مرکزی شهرستان اصفهان - به ویژه در قسمت‌های حاشیه شهر - از سالها پیش جریان دارد و کشاورزی منطقه به طور روزافزون از طریق فرایند فوق تهدید می‌شود. البته در این منطقه کشاورزی تنها از سوی شهر در خطر نابودی قرار ندارد، بلکه هجوم کویر نیز از جوانبی دیگر اراضی زراعی منطقه را تهدید می‌کند.

این در حالی است که منطقه به جهت دارا بودن نسبتاً بالای محیطی برای فعالیت‌های زراعی و دامی و همچنین قرار گرفتن در کنار شهری بزرگ چون اصفهان شرایط لازم را برای ایجاد کشاورزی توسعه یافته دارا می‌باشد. از سویی دیگر - به نظر نویسنده - در منطقه مورد مطالعه با توجه به تغییرات ساختاری ایجاد شده و رشد فزاینده شهرگرایی، حفظ و توسعه کشاورزی جز از طریق توسعه همه جانبه و فراگیر با محوریت توسعه کشاورزی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

نگارنده بنابر باور مذکور، در این مطالعه در جستجوی راهبرد توسعه متناسب با شرایط منطقه، که ویژگی‌های فوق را در بر داشته باشد برآمده است. نتیجه مطالعه در قالب طرحی اولیه، برای توسعه منطقه که هدف آن ایجاد ناحیه کشاورزی با کارکرد قوی اقتصادی و استاندارد بالای زندگی و رفاه اجتماعی در کل منطقه است، ارائه می‌گردد. تحقق این امر نه تنها نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد منطقه اصفهان ایفا خواهد کرد، بلکه می‌تواند در راستای توسعه پایدار کشور، الگویی برای

مناطق مشابه باشد.

موضوع نابودی کشاورزی در نواحی روستایی پیرامون شهرهای بزرگ، اگر چه یک مسأله قدیمی است، اما با رشد شهرهای بزرگ در سده‌های ۱۸ و ۱۹ در اروپای صنعتی شکل جدی‌تری یافت. این موضوع از چند دهه گذشته در ادبیات جغرافیای جهان - اغلب به عنوان یک معضل شهرنشینی مطرح گردیده است، در جغرافیای ایران نیز در سالهای اخیر به صورتهای مختلف مطرح شده ولی کمتر به عنوان محور بحث قرار داشته و بیشتر به صورت یک موضوع جنبی در مطالعات جغرافیای شهری و روستایی و یا برنامه‌ریزی‌های توسعه ناحیه‌ای مورد توجه بوده است. در زمینه موضوع بحث این مقاله، پیش از همه اثر معروف مشترک جان فریدمن و مایک داگلاس (۱۹۷۵)<sup>۲</sup> و نوشته آبی. دوید-وال (۱۹۹۱)<sup>۳</sup> از انتشارات FAO که ترجمه هر دو به فارسی در دسترس است، قابل توجه می‌باشند.

در ارتباط با منطقه مورد مطالعه، در سالهای اخیر مطالعاتی صورت گرفته، اما بیشتر مربوط به تهیه طرح‌های هادی و جامع مراکز جمعیتی شهری و روستایی بوده است. مطالعات گسترده‌ای نیز تحت عنوان «طرح جامع توسعه کشاورزی حوزه‌های آبخیز زاینده رود و اردستان» توسط سازمان کشاورزی استان در حال انجام می‌باشد که نتایج آن هنوز اعلام نگردیده است.

طرح توسعه ارائه شده در این نوشتار از نظر علمی مبتنی بر مدل توسعه روستا - شهر Agropolitan development (جان فریدمن و مایک داگلاس ۱۹۷۵)، می‌باشد. این مدل خود به گونه‌ای رهیافت‌های متفاوت توسعه روستایی، از جمله؛ توسعه همه جانبه روستایی، توسعه کشاورزی و همچنین توسعه یکپارچه ناحیه‌ای را در بطن خود دارد. با این وجود، در این مطالعه، به منظور دستیابی به طرحی که بیشترین انطباق را با شرایط منطقه‌ای دارا باشد، رهیافتهای متفاوت توسعه روستایی هر کدام به صورت مستقل نیز مد نظر قرار گرفته و بنا بر نیاز طرح تعدیل و تلفیق گردیده‌اند.

قبل از ورود به مبحث اصلی مروری گذرا بر مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این

مقاله لازم به نظر می‌رسد؛

**راهبرد: Strategy:** مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های عمومی که راه و روش نیل به هدف نهایی را مشخص می‌نماید (۴ ص ۱۰۹).

**ریافت: Approach:** در اینجا بیشتر در مفهوم وسیله و راه وصول استفاده شده است (۴ ص ۱۳۱).

**توسعه کشاورزی:** توسعه کشاورزی دستاورد یک سلسله فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده مرتبط و هماهنگ به منظور اعمال تغییرات و تحولات مطلوب برای وسعت بخشیدن به زمینه‌ها، گسترش دامنه فعالیت‌ها، بسط امور و افزایش عملکردها در قالب برنامه جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی است (۵ ص ۲-۱).

**توسعه روستا شهر: Agropolitan development:** تغییر چهره نواحی روستایی، از طریق انطباق عناصر زندگی شهری بر زمینه‌های ویژه روستایی است. معنی این کار آن است که به جای سرمایه‌گذاری در شهرها و تشویق انتقال روستاییان به آنجا، با سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی، آنها را تشویق کنیم که در جای خود بمانند و بدین ترتیب، آبادی‌های مسکونی را متحول سازیم و ترکیب جدیدی به آن بدهیم که آن را روستا شهر یا شهر کشاورزی می‌نامیم. در توسعه روستا - شهری، تصادم دیرینه بین شهر و روستا از میان برداشته می‌شود (۲ ص ۵۹).

### بخش مرکزی شهرستان اصفهان و توان محیطی آن

شهر اصفهان را چشم اندازهای جغرافیایی متفاوتی احاطه کرده است که گذشته از ویژگیهای خاص محیط طبیعی، اثرات نفوذ شهر اصفهان نیز در آنها کاملاً مشاهده می‌شود. در این میان بخش شرقی که می‌توان به عنوان بخش مرکزی شهرستان اصفهان در نظر گرفت در مقایسه با سایر نواحی از ساختار روستایی قوی‌تر و تمرکز فعالیت‌های کشاورزی برخوردار است. این دو خصیصه که طبعاً از یکدیگر متأثر بوده، موجب شده است این منطقه در حفظ هویت روستایی و کارکرد سنتی اقتصادی خود نسبت به سایر

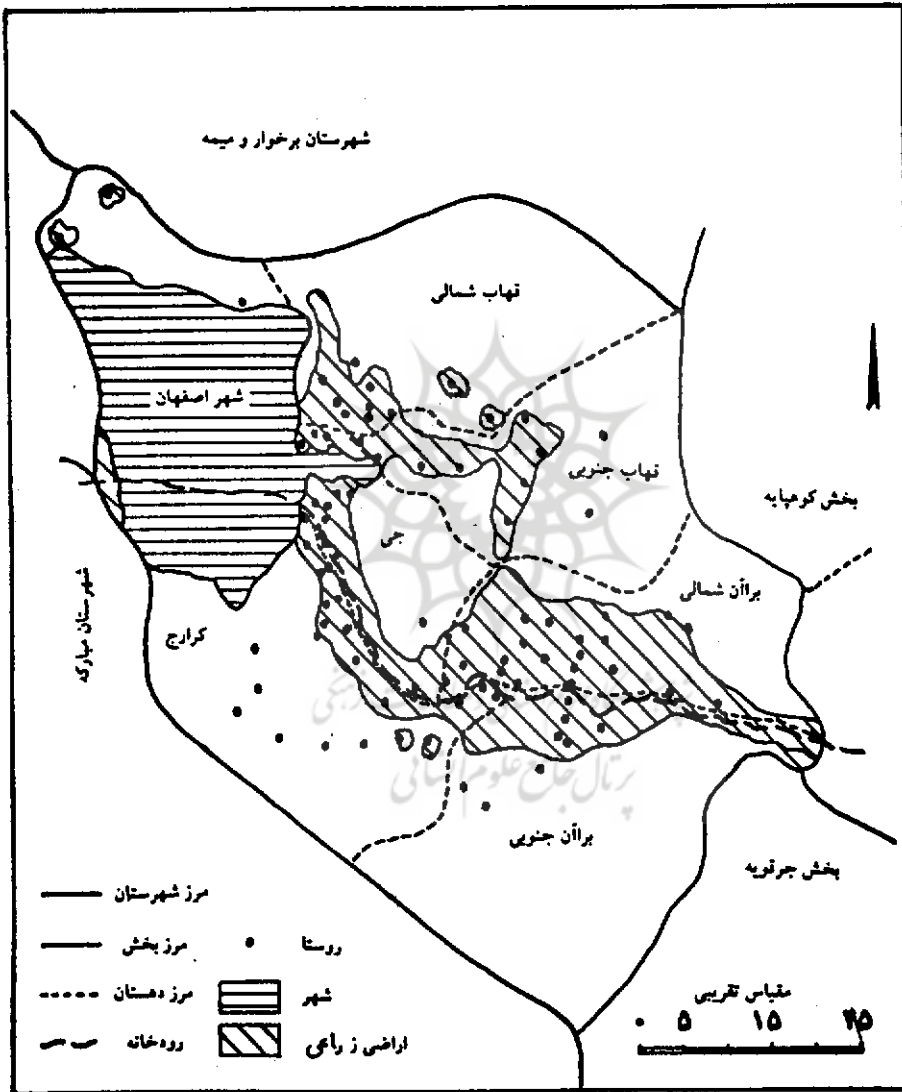
مناطق مقاومت بیشتری در برابر شهر از خود نشان دهد.

بخش مرکزی شهرستان اصفهان شامل: دهستان‌های جی، کراچ، برآن شمالی و جنوبی و قهاب شمالی و جنوبی می‌باشد و دو شهر اصفهان و خوراسگان را نیز در خود جای داده است. این بخش بدون در نظر گرفتن نواحی شهری حدود ۱۵۸۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. زاینده‌رود بزرگترین رودخانه داخلی ایران عرض منطقه را در بخش جنوبی طی می‌کند و چهار دهستان جی، کراچ، برآن شمالی و جنوبی را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهد. روستاهای این منطقه در حاشیه شهر اصفهان به طرف بیرون، به ویژه در اطراف رودخانه زاینده‌رود متراکم شده‌اند و با فاصله از شهر اصفهان بتدریج از تراکم آنها کاسته شده، پراکنده می‌شوند (به شکل شماره ۱ مراجعه شود).

منطقه از نظر طبیعی در جایی واقع شده که به جز از ناحیه غرب که زاینده‌رود نیز از آن سمت جاری است، از سایر نواحی مورد هجوم گسترده بیابان واقع شده است. اراضی زراعی منطقه از نظر پوشش خاکی اغلب به جهت وجود آبرفت‌های جلگه زاینده‌رود از توان زراعی نسبتاً خوبی برخوردار است که در بخش‌های مرکزی و شرقی کشور مجموعه مشابه آن در این وسعت به چشم نمی‌خورد. اقلیم منطقه از نظر درجه حرارت، طول مدت یخبندان و برخی ویژگیهای دیگر، شرایط مساعد محیطی را برای کشت محصولات مختلف و زراعت در طول سال فراهم می‌سازد.

ایستگاه سینوپتیک اصفهان - نزدیکترین ایستگاه هواشناسی به منطقه در بین ایستگاههای اطراف از حداکثر متوسط درجه حرارت سالانه (۱۶/۴) درجه سانتیگراد در دوره آماری (۱۹۹۰-۱۹۷۵)<sup>۶</sup> و بالاترین میانگین حداقل درجه حرارت در سال (۹/۸) درجه سانتیگراد<sup>۶</sup> و همچنین ماههای سرد سال برخوردار است. بزرگترین محدودیت منطقه از نظر محیط طبیعی، بارش ناچیز سالانه است (۱۱۹ میلی‌متر برای دوره آماری (۱۹۹۰-۱۹۷۵)<sup>۶</sup> که این نیز به یمن وجود موهبت زاینده‌رود جبران می‌شود.

منطقه به جهت موقعیت خاص جغرافیایی اش دارای زمینه مساعد برای کاشت



شکل شماره ۱: شمای کلی بخش مرکزی شهرستان اصفهان

محصولات پر منفعت مناطق پیرامون شهری، شرایط مساعد برای کشت تجاری، زمینه مساعد برای فعالیت‌های دامی و تولید شیر و لبنیات می‌باشد. علاوه بر این نزدیکی به بازار مصرف، امکان استفاده از امکانات زیربنایی شهری، سوددهی نسبتاً بالای کشاورزی و درآمد نسبی خوب روستاییان کشاورز از امتیازات دیگر موجود در این منطقه است.

البته منطقه خود در قسمت‌های مختلف از ویژگیهای متفاوتی از نظر شرایط محیطی، ویژگیها و توان کشاورزی و شرایط لازم برای برنامه‌ریزی توسعه برخوردار است. از این میان، تفاوت‌های عمده زیر در این نگاه گذرا قابل اشاره می‌باشد:

کشاورزی دهستانهای جی، کرارج و قهاب شمالی به جهت ارتباط نزدیکتر روستاهای این نواحی با شهر، بیشتر از سایر نواحی از نفوذ شهر و ویژگی‌های شهری متأثر می‌باشد. البته این دهستانها خود از نظر میزان اراضی زراعی و سایر شرایط دارای ویژگیهای متفاوتی می‌باشند. دهستانهای برآن شمالی و جنوبی با توجه به منابع آب در دسترس و همچنین خاک مناسبتر و فاصله مناسب به شهر از شرایط بهتری برای کشاورزی برخوردار می‌باشند. در برابر در دهستانهای قهاب جنوبی و مخصوصاً قهاب شمالی با توجه به دوری از رودخانه و وجود اثرات بیشتر شرایط اقلیم بیابانی، کشاورزی با مشکلات محیطی بیشتری نسبت به سایر مناطق روبرو می‌باشد. طبیعی است که تحلیل دقیق این تفاوتها و تعیین الویتهای منطقه‌ای در زمینه‌های متفاوت، یکی از بخشهای مهم مطالعات برنامه‌ریزی را در منطقه تشکیل می‌دهد.

### تحولات جمعیتی و تغییر ساختار روستایی

در مناطق روستایی، رشد واقعی جمعیت برخلاف رشد طبیعی آن، معمولاً میانگین پایین‌تری را در مقایسه با شهر نشان می‌دهد. در منطقه مورد مطالعه میزان موالید طبق معمول مناطق روستایی بالاتر از میزان موالید در شهر اصفهان است. (۳۸/۵ در هزار برای شهر در برابر ۴۱/۶ برای بخش مرکزی براساس آمار سال ۱۳۶۵)<sup>۶</sup>

ولی رشد واقعی جمعیت، شرایط متفاوتی را با حالت کلی رشد جمعیت روستایی کشور دارا است. در تمامی شش دهستان بخش مرکزی، نرخ رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ نسبت به نرخ رشد جمعیت شهر اصفهان بالاتر بوده است (جدول شماره ۱). براساس تمامی آمارهای موجود این روند در سالهای پس از ۱۳۶۵ نیز ادامه داشته است ولی متأسفانه آمارهای جمعیتی در مورد سالهای پس از ۱۳۶۵ منطقه، جهت بررسی و مقایسه دقیق روند فوق در سالهای اخیر اعتبار لازم را دارا نیستند.

جدول شماره ۱: مقایسه نرخ رشد جمعیت روستایی بخش مرکزی و شهر اصفهان برای ۶۵-۱۳۵۵

منطقه	جمعیت سال ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۶۵	درصد رشد جمعیت ۶۵-۵۵
دهستان بران جنوبی	۶۶۴۸	۱۱۱۷۲	۵/۳
دهستان بران شمالی	۶۹۹۵	۱۳۲۳۵	۶/۶
دهستان جی	۶۰۳۲	۱۰۹۱۲	۶/۱
دهستان تهاب جنوبی	۴۷۶۷	۹۳۷۱	۷
دهستان تهاب شمالی	۶۱۳۳	۱۱۳۷۴	۶/۴
دهستان کوراج	۱۲۴۱۰	۲۱۰۸۸	۵/۴
شهر اصفهان	۶۶۱۵۱۰	۹۸۶۷۵۲	۴/۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ - فرهنگ آبادیها

براساس مطالعات میدانی نویسنده، در فاصله سالهای بین ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲ از کل مهاجرت‌های انجام شده در روستاهای منطقه ۳۱ درصد را مهاجرت‌های از منطقه (برون کوچی) تشکیل داده و بقیه مهاجرت‌ها از خارج به منطقه (درون کوچی) بودن است، به عبارت دیگر در این مدت در برابر خروج هر نفر از منطقه ۲/۲ نفر به روستاهای منطقه وارد شده‌اند.

از کل مهاجرت‌های انجام شده به روستاهای منطقه ۶۵/۳ درصد تنها از شهر اصفهان و بقیه از خارج منطقه بوده است. مهاجرت‌های انجام شده فوق عمدتاً با سه



انگیزه سکونت‌گزینی، اشتغال و استفاده از امکانات رفاهی صورت گرفته است، ولی از این میان سکونت‌گزینی به تنهایی انگیزه ۸۸/۹ درصد کل مهاجرتها و انگیزه نزدیک به تمامی مهاجرین شهر اصفهان به منطقه بوده است.<sup>۶</sup>

براساس آمار سال ۱۳۷۰، تراکم جمعیت روستایی منطقه ۷۵۹/۴ نفر در کیلومتر بوده است. مقایسه این عدد با تراکم جمعیت روستایی کشور (۱۴/۸)<sup>۷</sup> گویای میزان بالای تراکم جمعیت در این منطقه می‌باشد. مقایسه تراکم روستایی ۹۰/۹ نفری دهستان جی با تراکم جمعیت روستایی ۳۹/۴ نفر در کیلومتر مربع در دهستان برآن شمالی در سال ۱۳۶۵<sup>۶</sup> نیز، حاکی از تأثیر شهر اصفهان بر تراکم جمعیت در این منطقه روستایی است.

تفاوت چشمگیر نسبت شاغلین در بخش کشاورزی بین دهستانهای برآن شمالی و جنوبی (به ترتیب ۶۹/۵ و ۶۷)<sup>۸</sup> با دهستانهای جی و کراچ (به ترتیب ۳۱/۲ و ۳۸/۳) که بیش از هر چیز ناشی از آمیختگی مشاغل شهری و روستایی در دو دهستان اخیر می‌باشد، نیز موضوعی قابل ملاحظه در این زمینه است.

### کشاورزی و جایگاه آن در منطقه

در سال زراعی ۷۱-۱۳۷۰ بخش مرکزی با ۵۴۲۷۷ هکتار اراضی زیرکشت<sup>۹</sup> حدود ۱۳/۷ درصد از سطح زیرکشت (آبی) استان (۳۹۷۳۰۵ هکتار)<sup>۱۰</sup> و حدود ۶۰/۷ درصد از سطح زیرکشت شهرستان اصفهان (۸۹۴۵۷ هکتار)<sup>۹</sup> را تشکیل می‌داده است. این در حالی است که این بخش ۱/۶ درصد از سطح استان و ۱۰/۳ از سطح شهرستان را اشغال کرده است.

در این منطقه اراضی زراعی در حاشیه متصل به شهر اصفهان تا حدود نسبتاً وسیعی دور از ساحل زاینده‌رود گسترش یافته است. ولی پس از گذشتن از این محدوده، اراضی زراعی بتدریج به نوار باریکی در حواشی زاینده‌رود محدود می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از اراضی زراعی این منطقه تحت تأثیر

تحولات ناشی از نفوذ شهر اصفهان قرار دارد.

ترکیب محصولات تولیدی منطقه گویای توان محیطی این منطقه برای کشت انواع گوناگون محصولات می باشد که از جمله سهم بالای محصولات مهم و حساس به بازار همچون سبزیجات که نیاز بخش وسیعی از جمعیت شهر اصفهان را پوشش می دهد قابل ملاحظه است. این در حالی است که بازده تولید اغلب محصولات زراعی منطقه نسبت به متوسط استان که خود در مقایسه یا سطح کشور حالتی ممتاز دارد، بالاتر است (به جدول شماره ۲ مراجعه شود).

حذف آیش از چرخه تناوب زارعی در این منطقه نیز دلیل دیگری بر توان بالای این منطقه برای توسعه کشاورزی است. درصد پایین خود مصرفی تولیدات زراعی در منطقه نیز که در سال ۱۳۷۱ برای تمام محصولات عمده منطقه کمتر از ۳۰ درصد بوده است نیز گویای جهت گیری بخش کشاورزی به سوی کشاورزی تجاری در این منطقه می باشد.

جدول شماره ۲: مقایسه بازده تولید چند محصول زراعی در

کشور، استان، و منطقه سال ۱۳۷۰ (تن در هکتار)

محصول	کشور	استان	بخش مرکزی
گندم آبی	۲/۲۷	۴	۴/۳
جو آبی	۲/۴	۳/۸۴	۴
شلتوک	۳/۷۸	۵/۱۵	۴/۴
سیب زمینی	۱۷	۳۲/۳	۲۲
پیاز	۲۱/۶	۵۴/۹	۵۳/۶

مأخذ: ستونهای ۲ و ۳، اداره کل کشاورزی استان اصفهان، سیمای

کشاورزی استان اصفهان، ۱۳۷۱، ص ۳۵

ستون چهارم: مرکز خدمات کشاورزی استان اصفهان - ۱۳۷۱

### تغییرات ساختاری ناشی از نفوذ شهر

در مباحث گذشته گفتیم که رشد شهر و گسترش نفوذ آن در مناطق روستایی موجب تغییرات ساختاری در منطقه بویژه در بخش‌های حاشیه شهر شده است. این تغییرات را می‌توان در اشکال گوناگون مشاهده نمود که به برخی از آنها که با بحث ما ارتباط بیشتری دارد، اشاره می‌نماییم.

- شهر اصفهان و شهر خوراسگان در دهه‌های اخیر به طور مداوم روستاهایی از منطقه و اراضی زراعی کشاورزی حوالی آنها را در کام خویش گرفته‌اند و این روند همچنان ادامه دارد. چنانچه هم اکنون روستاهای متعددی چون کردآباد، محمدآباد، سمسور، ارغوانیه، جی شیر، دارک، حصه، جلوان و بسیاری دیگر در حال ادغام کامل در شهرهای اصفهان و یا خوراسگان می‌باشند.

- سکونت روزافزون جمعیت غیرکشاورز در روستاهای این منطقه، رشد سریع فعالیت‌های غیرکشاورزی را به دنبال داشته است. افزایش فزاینده کارگاه‌های کوچک و بزرگ تجاری، صنعتی و تعمیرگاه‌ها و وجود بازار گرم فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی چون واسطه‌گری و ... شاهد این مدعا است.

- ساختار فضایی منطقه با خرد و قطعه قطعه شدن اراضی از طریق ایجاد طرح‌ها و تأسیسات شهری، احداث شهرکها و مجتمع‌های مسکونی، رشد فعالیت‌های خانه‌سازی و گسترش انبوه ساختمانهای نیمه‌ساز و توسعه ضروری فعالیتهای راه‌سازی و ... تغییر کرده است.

- هجوم گسترده شهرنشینان اصفهانی و افراد خارج از منطقه برای خرید زمین‌های زراعی منطقه که معمولاً با استفاده از ضعف اقتصادی کشاورزان محلی بهترین اراضی را تصاحب می‌کنند، قابل تأمل می‌باشد.

- افزایش سریع قیمت زمین به واسطه تقاضای روزافزون جهت ایجاد بنا برای سکونت و یا فعالیت‌های صنعتی، بعضاً موجب شده در مدت کوتاهی درآمد حاصل از فروش زمین از بالاترین درآمد حاصل از کشت زمین بسیار بالاتر باشد. این روند در

بخشهایی از منطقه از جمله در دهستان جی و بخشهایی از دهستانهای قهاب شمالی و کراچ مانع بزرگی برای کشاورزی شده است. بدیهی است این روند اثرات فزاینده‌ای بر تغییر بینش و رفتار اقتصادی روستاییان خواهد داشت.

بدون تردید با ادامه روند فعلی، کشاورزی مناطق حاشیه شهر دیری نخواهد پایید و به زودی در بین خانه‌ها، کارگاههای صنعتی کوچک و بزرگ و آپارتمانهای مسکونی گم و فراموش خواهد شد و طبعاً در صورت عدم توجه به مسأله، روند فوق گسترش یافته و بخش‌های وسیع‌تری را متأثر می‌سازد.

### ویژگی‌های خاص منطقه‌ای

در سطور گذشته وضعیت کلی منطقه از برخی جوانب مورد اشاره قرار گرفت. به عنوان نتیجه‌گیری از بحثهای گذشته ویژگیهای اساسی منطقه را که در انتخاب راهبرد توسعه منطقه از اهمیت بیشتری برخوردارند، مرور می‌کنیم.

- در این منطقه هرگونه فعالیت توسعه حتی اگر با هدف رشد اقتصادی و بالا بردن استانداردهای زندگی و رفاه اجتماعی باشد. اگر از طریق و در چهارچوب توسعه کشاورزی انجام نشود و یا حتی به عنوان اهداف مرحله‌ای مقدم بر اقدامات اساسی در زمینه کشاورزی صورت گیرد، به دلیل روند سریع تحولات موجود در منطقه، موجب گسترش و تعمیق تغییرات ساختاری و کارکردی منطقه، رشد شهرگرایی و فاصله گرفتن مردم روستایی از کشاورزی خواهد شد.

- مسأله زمین با توجه به شرایط محیطی و به ویژه رواج بورس بازی زمین و هجوم غیرقابل کنترل جمعیت مهاجر، موضوعی اساسی است که بایستی در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه خاص قرار گیرد. در این راستا آنچه باید پذیرفت این که در منطقه دیگر افزایش سطح زیرکشت امکان‌پذیر نیست. اما حفظ سطح موجود خود می‌تواند و باید به عنوان یک هدف در فرایند توسعه محسوب شود. بنابراین آنچه مطرح خواهد بود ساماندهی و بهینه‌سازی کشاورزی فعلی است.

- موضوعی که به خصوص در سالهای اخیر به طور گسترده در منطقه به چشم می خورد، توسعه بخش های اقتصادی غیرکشاورزی در کنار بخش کشاورزی است. چنانکه در گذشته اشاره نموده ایم کشاورزی این منطقه نه از ضعف شرایط محیطی بلکه از رویکرد جامعه روستایی به فعالیت های مختلف اقتصادی سودآورتر تهدید می شود. بنابراین تقویت بخش کشاورزی در برابر بخشهای رقیب باید هدف اساسی برنامه یزی توسعه در این منطقه باشد.

- در منطقه شرایط و زمینه های مثبت بسیاری مثل سطح بالای درآمد خانوار، وجود واحدهای نسبتاً پیشرفته زراعی و دامی، درجه بالای تولید برای بازار، سطح نسبتاً بالای مکانیزاسیون در برخی واحدهای بهره برداری همچنین توان محیطی مستعد برای کشت انواع مختلف محصولات و بالاخره موقعیت جغرافیایی منطقه در کنار شهر بزرگی چون اصفهان، برای پذیرش یک کشاورزی مدرن و توسعه یافته وجود دارد. هماهنگ سازی و بهره برداری صحیح از این ویژگیها از طریق یک برنامه ریزی دقیق، یک ناحیه کشاورزی توسعه یافته، حتی در سطح یک الگوی توسعه ناحیه ای در کشور را نوید می دهد.

### در جستجوی راه حل

نویسنده معتقد نیست که در این منطقه باید مرزهای میان شهر و روستا را محکم کنیم و یا ساختار سنتی روستایی را تحکیم نماییم، بلکه بایستی تغییر و تحولات موجود منطقه را تحت کنترل داشته و براساس طرح و برنامه ای دقیق به سوی توسعه پایدار هدایت نماییم. به نظر می رسد برای حفظ و توسعه کشاورزی منطقه نیاز به دو مرحله کارجدی و دقیق است. در مرحله اول بایستی از هرگونه اقدام و فعالیتی که موجب تضعیف کشاورزی موجود می شود، جلوگیری نمود. بدین منظور لازم است طرح هایی که قبلاً پیش بینی شده و یا در مراحل اولیه اجراست در حد ممکن در راستای حفظ و توسعه کشاورزی منطقه هدایت شود و طرح هایی را که در تضاد با

موجودیت و توسعه کشاورزی منطقه است، متوقف نمود. بیاد داشته باشیم که در این منطقه با شرایط حساسی که در بحث‌های گذشته مطرح گردید، هرگونه فعالیتی اگر در راستای حل مسایل کشاورزی نباشد، به جهت تشدید روند تضعیف کارکرد کشاورزی و گسترش و تعمیق تنش‌های منطقه‌ای، به طور مستقیم و غیرمستقیم به کشاورزی ضربه خواهد زد.

در مرحله دوم بایستی با یاری جستن از تحلیل دقیق منطقه و شناخت توان‌های محیطی آن در ابعاد گوناگون، منطقه را به سوی یک کشاورزی علمی و پیشرفته رهنمون شد. نویسنده در سطور آینده مجموعه پیشنهادهایی را در جهت راهیابی به این هدف ارائه نموده است. در این مجموعه پیشنهادات، که در ادامه تحت عنوان «راهبرد توسعه کشاورزی ناحیه‌ای» تشریح گردیده است، توسعه همه جانبه منطقه با اتکاء بر توسعه کشاورزی مورد نظر می‌باشد.

### راهبرد توسعه کشاورزی ناحیه‌ای

طرح پیشنهادی ارائه شده، یک هدف واحد را دنبال می‌کند و به ویژه تأکید بر اجرای هماهنگ و همزمان برنامه‌ها در بخشهای مختلف دارد، با این وجود به جهت سهولت در انجام مطالعات و برنامه‌ریزی و انطباق بیشتر طرح با شرایط منطقه در سه بخش مجزا با رویکردهای؛ مطالعات محیطی و جغرافیایی، رویکرد توسعه اقتصادی و توسعه روستایی که تحت عنوان رهیافت اول، دوم و سوم نامگذاری گردیده، مطرح می‌گردد. گفتنی است که هر بخش یا رهیافت که در واقع خود ملهم از یکی از رهیافتهای مطرح توسعه می‌باشد، بخشی از وسیله و راه نیل به مقصد نهایی یعنی ناحیه کشاورزی توسعه یافته را تشکیل می‌دهد.

### رهیافت اول: مطالعات ناحیه‌ای

این بخش عمدتاً فعالیتهای مطالعاتی و تحقیقی را در بر دارد و فراهم کننده

زمینه‌های برنامه‌ریزی در بخشهای بعدی خواهد بود، در این بخش مطالعات ناحیه‌ای و تعیین حدود منطقه یکپارچه برنامه‌ریزی، اساس کار را تشکیل می‌دهد.

اتکاء بر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای از جنبه‌های چندی برای توسعه منطقه و نیل به اهداف مورد نظر قابل اهمیت می‌باشد که به مواردی از آن اشاره می‌نماییم:

- ارتباط کشاورزی با محیط و نقش تعیین کننده عوامل محیطی در فعالیت‌های کشاورزی، توجه به توان محیطی و شناخت و ارزیابی این توان را برای هرگونه برنامه‌ریزی از این نوع اجتناب ناپذیری می‌سازد. شناخت تفاوت‌های منطقه‌ای و تفکیک بخشهای متفاوت منطقه‌ای براساس همگنی محیط، میزان مساعدت عوامل مؤثر و طبقه‌بندی الویت‌های بخشی، راهگشای تمامی اقدامات بعدی خواهد بود.

- نتیجه دیگری که از دیدگاه فضایی حاصل خواهد شد، واقع‌گرایی است، زیرا بدون توجه به پارامترهای مؤثر منطقه و ابعاد متفاوت آن و شناخت شعاع نفوذ پارامترهای فوق نمی‌توان برنامه‌ای واقع‌گرا تدوین نمود.

- و بالاخره شناخت منطقه در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی آن بدون داشتن دیدگاه سیستمی و همد جانبه‌نگر امکان‌پذیر نیست و چنین دیدگاهی به جز از طریق مطالعه ناحیه‌ای حاصل نخواهد شد.

گفتنی است که در بخش‌های حاشیه شهر هر چند هنوز فعالیت‌های کشاورزی به چشم می‌خورد، اما کشاورزی نقش گذشته خود را از دست داده است و با توجه به روند سریع تحولات فعلی و اثرات نفوذ قوی شهر، امکان احیاء کشاورزی و نقش گذشته آن در این بخش منطقه دیگر وجود ندارد. براین اساس یکی از وظایف اولیه برنامه‌ریزی در این منطقه تعیین مرز حوزه نفوذ شهر از ناحیه برنامه‌ریزی است.

اهداف و محورهای اساسی مطالعات در این بخش را می‌توان در سه مورد به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

الف- مطالعات جغرافیایی و تحلیل منطقه‌ای برای شناخت توانهای محیطی و عوامل مساعد و نامساعد طبیعی، اجتماعی و اقتصادی منطقه

- ب- تعیین شعاع حوزه نفوذ قوی شهر و شناخت تأثیر متقابل شهر و ناحیه پیرامون از جوانب گوناگون
- ج- تعیین ناحیه برنامه‌ریزی
- د- تعیین تفاوت‌های منطقه‌ای و تفکیک مناطق براساس توان محیطی و الویت‌های برنامه‌ریزی

### رهیافت دوم: توسعه اقتصادی

این بخش کلیه مسایل اقتصادی منطقه را که در طرح توسعه مؤثر می‌باشد در بر می‌گیرد و مشتمل بر مطالعه، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها خواهد بود. با توجه به این که توسعه کشاورزی محور اصلی طرح پیشنهادی است، عموم جهت‌گیری‌ها در این رهیافت، مبتنی بر توسعه کشاورزی منطقه می‌باشد. اما از آنجا که کشاورزی در هر سطحی در ابعاد گوناگون از جمله؛ تکنولوژی، بازاریابی، مسأله اشتغال و ... نیاز به بخش‌های دیگر دارد، پیشنهادات ارائه شده دو هدف کلی، توسعه همزمان کشاورزی (زراعت و دام) و فعالیت‌های جنبی کشاورزی را دنبال می‌کند.

در زمینه توسعه کشاورزی اهداف اساسی طرح عبارتند از:

- توسعه کشاورزی مکانیزه و علمی در بین تمامی واحدهای بهره‌برداری و یک دست کردن کشاورزی منطقه در بکارگیری شیوه‌های علمی کشاورزی
- بالا بردن سطح بهره‌دهی کشاورزی بویژه از طریق افزایش راندمان تولید در بخش‌های زراعت و دام بگونه‌ای که این بخش اقتصادی در رقابت با بخش‌های دیگر اقتصادی جاذبه بیشتری برای سرمایه‌گذاری داشته باشد.
- تخصیصی کردن کشت و گسترش کشاورزی تجاری و مبتنی بر بازار در تمام

سطح منطقه

به منظور نیل به اهداف فوق مطالعه و برنامه‌ریزی در محورهای ذیل ضروری به



الف- برقرار نمودن نظام ترویج و آموزش کشاورزی در سطوح و زمینه‌های

مختلف در سطح کل منطقه

ب- احیاء، اصلاح و توسعه نظام بهره‌برداری خانواری و بردن کشاورزی

مکانیزه در سطح تک تک واحدهای بهره‌برداری خانواری و سایر واحدهای

بهره‌برداری

ج- برقراری نظام تعاون و همکاری در بین بهره‌برداران منطقه در زمینه‌های

مختلف چون یکپارچه‌سازی اراضی، تهیه امکانات و تجهیزات کشاورزی، انجام

فعالیت‌های زراعی و همچنین خدمات پس از تولید و بازاریابی

د- یکپارچه‌سازی اراضی زراعی (حتی الامکان) در سطوح بهره‌برداریهای

خانواری و سایر اشکال بهره‌برداری

ه- تعیین تناوب زراعی و همچنین نوع کشت مناسب منطقه و هدایت

کشاورزان منطقه در جهت کشت محصولات توصیه شده

و- ایجاد زمینه‌های بکارگیری روشهای نوین آبیاری و گسترش این روشها در

سطح کل منطقه

ز- فراهم نمودن امکانات لازم جهت توسعه فعالیت‌های دامداری و هدایت

دامداران منطقه در جهت بکارگیری هر چه بیشتر روشهای علمی پرورش دام

ح- ایجاد زمینه‌های لازم برای جلب سرمایه‌گذاری در ایجاد و توسعه

مجتمع‌های کشت و صنعت و پرورش دام در منطقه

در زمینه فعالیت‌های اقتصادی جنبی کشاورزی اهداف ذیل مورد نظر طرح

می‌باشد:

- توسعه فعالیت‌های جنبی کشاورزی به منظور ایجاد فرصت‌های اشتغال در

بخش‌های صنعتی و خدماتی مرتبط با کشاورزی

- ایجاد هماهنگی و ارتباط اقتصادی هر چه بیشتر بین بخش کشاورزی و

بخش‌های دیگر در جهت توسعه کلی چشم‌انداز کشاورزی منطقه

اهداف فوق از طریق مطالعه و برنامه‌ریزی و اجرای راهکارهای ذیل پیگیری خواهد شد.

- الف- توسعه شرکتها و شبکه‌های خدمات کشاورزی در بخش‌های زراعت و دام با نظارت و حمایت دولت با در نظر گرفتن امتیازات ویژه برای داوطلبین محلی
- ب- هدایت و حمایت مردم منطقه برای مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های محلی به ویژه فعالیتهای بازاریابی
- ج- توسعه صنایع تبدیلی و کلیه صنایع وابسته به بخشهای مختلف کشاورزی
- ه- ایجاد سازمان حمل و نقل منطقه‌ای از طریق مشارکت دست‌اندرکاران محلی

و- توسعه شبکه‌های محلی عرضه مستقیم محصولات کشاورزی و ایجاد زمینه‌های فعالیت‌های تجاری در امور کشاورزی

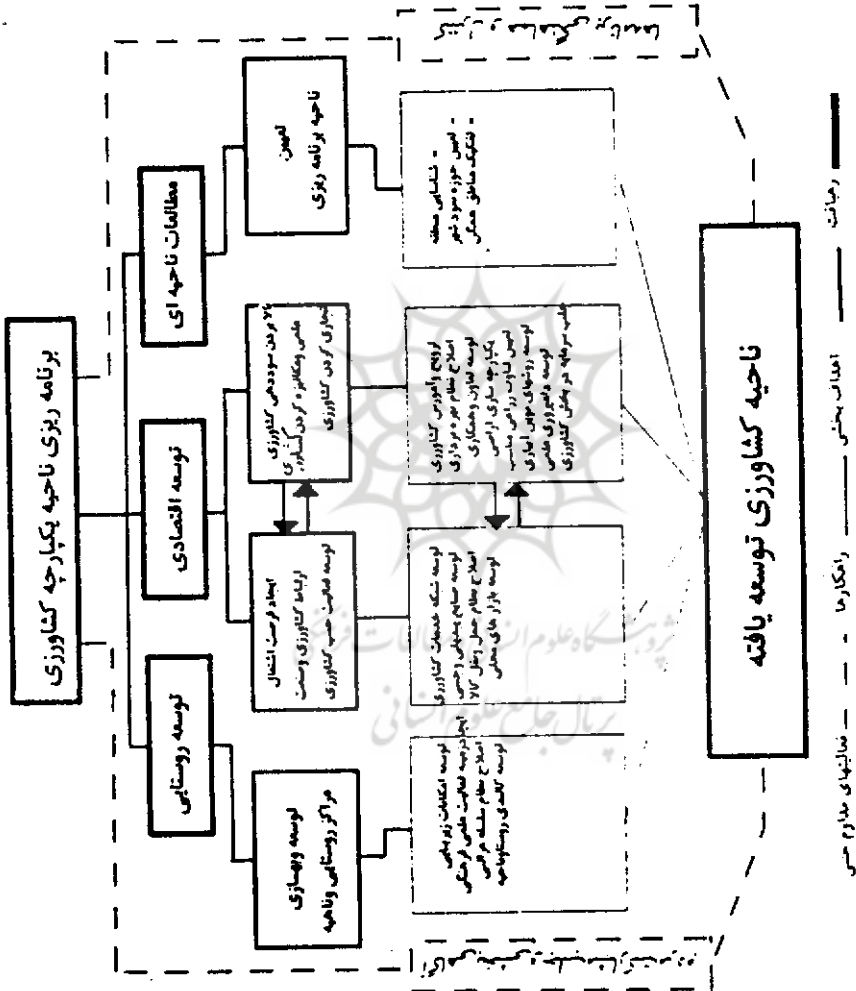
### رهیافت سوم: توسعه روستایی :

این بخش اساساً بر توسعه اجتماعی و توسعه کالبدی روستاها و ناحیه مبتنی است، این بخش از فعالیت لازم است به موازات فعالیت در بخش‌های دیگر و در راستای اهداف تعیین شده در بخشهای فوق پیگیری گردد.

به اعتقاد نویسندگان در ناحیه برنامه‌ریزی که یک ناحیه حاشیه شهری و در ارتباط مستقیم با نظام شهری است، علاقمندی و انتظار مردم به استفاده از امکانات شهری کاملاً منطقی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. برنامه توسعه در این ناحیه بایستی زمینه‌ها و شرایط برآورد این تمایل منطقی را در مسیر صحیح آن فراهم آورد. بنابراین لازم است به موازات توسعه اقتصادی منطقه محیطی مناسب برای آموزش، بهداشت و استفاده از امکانات اجتماعی دیگر و همچنین زندگی مرفه و قابل مقایسه با زندگی شهری در منطقه فراهم آورد.

برای نیل به هدف فوق اجرای راهکارهای ذیل ضروری خواهد بود:

- الف - توسعه و تکمیل امکانات زیربنایی بویژه در زمینه آموزش عمومی و بهداشت در روستاهای منطقه در سطح دسترسی عموم مردم
- ب - ایجاد زمینه فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی، علمی و ... در کل منطقه
- ج - برقراری و اصلاح نظام سلسله مراتبی در مراکز جمعیتی برای سرویس‌گیری آسان مردم از خدمات زیربنایی و خدمات کشاورزی
- ج - و بالاخره توسعه کالبدی تک تک روستاها و کل ناحیه در امتداد و هماهنگی با توسعه اقتصادی منطقه (به شکل شماره ۲ مراجعه شود).
- جلب مشارکت مردم در تمامی مراحل توسعه امری ضروری است. مشارکت می‌تواند از دو جنبه عمده یعنی همکاری با محققان و برنامه‌ریزان و مجریان در مراحل مطالعه، برنامه‌ریزی و همچنین اجرا صورت پذیرد و یا از طریق مشارکت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در راستای برنامه‌ریزی‌های اعلام شده باشد. یکی از وظایف برنامه‌ریزان در طول کار، برقراری ارتباط با مردم و ایجاد علاقه و انگیزه مشارکت در بین مردم از طریق توجیه طرح توسعه خواهد بود. این علاقه و انگیزه طبعاً با شروع فعالیت‌های توسعه، و دل‌بستگی بیشتر مردم محلی به منطقه به مرور عمیق‌تر شده و مشارکت بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت.
- نویسنده ضمن تأکید بر این که هدف اساسی و اولیه از این مقاله را جلب نظر مسئولین به روند رو به نابودی کشاورزی منطقه و درخواست تلاش جدی جهت حفظ آن می‌داند، امیدوار است مقاله بتواند زمینه‌های ایجاد یک ناحیه کشاورزی توسعه یافته و در عین حال برخوردار از رفاه اجتماعی را در راستای سیاست‌های توسعه کشاورزی کشور فراهم آورد.



شکل شماره ۲ ارتباط جریان کار در راهبرد توسعه کشاورزی ناحیه ای

## منابع و مأخذ:

- ۱- سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان، طرح تجدید نظر در طرح جامع اصفهان، اصفهان، ۱۳۶۷
- ۲- فریدمن، جان و داگلاس، مایک (۱۹۷۵)، توسعه روستا شهری، ترجمه؛ عزیز کیاوند، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۳
- ۳- آبی، دیوید-وال (۱۹۹۱)، برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی، FAO، ترجمه و انتشار؛ سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۲۱، وزارت جهادسازندگی، تهران، ۱۳۷۴
- ۴- شهبازی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲
- ۵- شهبازی، اسماعیل، استراتژیهای توسعه کشاورزی، دفتر امور تحقیقات کشاورزی، سازمان تحقیقات کشاورزی، تهران، ۱۳۶۸
- 6- NOURI. H, Raumliche Differenzierung und Bewertung des Landwirtschaftspotentials in Isfahan Township, Uni. Wien, Wien, 1995
- ۷- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۷۱، اصفهان
- ۸- مأخذ شماره ۶، براساس مطالعات میدانی نویسنده و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، فرهنگ آبادیهای شهرستان اصفهان
- ۹- مرکز خدمات کشاورزی استان اصفهان، آمار کشاورزی سال زراعی ۷۱-۱۳۷۰، اصفهان
- ۱۰- اداره کشاورزی استان اصفهان - سیمای کشاورزی استان اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۱

- رعایت دستور العمل زیر در نگارش مقاله‌هایی که برای چاپ در مجله ارسال می‌گردد، ضروریست.
- \*نوع مقاله
- مقاله‌های پژوهشی در یکی از زمینه‌های علوم انسانی و زبان و ادبیات فارسی نوشته شده و تاکنون به چاپ نرسیده باشد برای چاپ در مجله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
- \*روش تدوین
- مقاله به ترتیب از اجزای زیر تشکیل خواهد شد.
- ۱- عنوان و معرفی نگارنده
- عنوان باید خلاصه و گویا بوده و از ۱۵ واژه تجاوز نکند. در زیر عنوان، نام و نام خانوادگی و در پاورقی صفحه اول مرتبه علمی و محل خدمت نگارنده نوشته می‌شود.
- چکیده:
- ۲- چکیده باید مجموعه فشرده و گویایی از مقاله، با تأکید بر تشریح مسأله، روش کار و نتایج بوده و از ۱۵ سطر (حدود ۳۰۰ واژه) بیشتر نباشد.
- ۳- واژه‌های کلیدی
- حداکثر ۱۰ واژه کلیدی ویژه درباره موضوع مورد پژوهش، بعد از چکیده ارائه شود.
- ۴- مقدمه
- مقدمه باید با طرح مسئله و مرور پژوهش‌های انجام شده، هدف پژوهش را توجیه کند.
- ۵- روش و مراحل تحقیق
- در این قسمت شیوه اجرای پژوهش، طرح آماری و روش‌های شناسایی و ارزیابی توضیح داده می‌شود.
- ۶- نتایج
- تمامی نتایج کیفی و کمی بدست آمده در این قسمت ارائه می‌گردد. در صورت نیاز می‌توان موضوعات را طبقه‌بندی نموده و برای ارائه نتایج از ابزارهای نمادین نیز بهره‌جست.
- ۷- بحث و ارائه پیشنهادها
- در این قسمت نتایج بدست آمده با توجه بررسی و یافته‌های سایر پژوهش‌ها، تجزیه و تحلیل شده درباره آنها بحث و نتیجه‌گیری به عمل می‌آید. نگارنده در همین قسمت می‌تواند توصیه‌ها و پیشنهادها را لازم برای انجام بررسی بعدی را نیز ارائه کند.
- ۸- منابع مورد استفاده
- منابع مورد استفاده باید به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نگارنده مرتب شود.

چنانچه چند منبع مورد استفاده قرار گرفته باشد، ترتیب آرایه آنها برحسب سال انتشار از قدیم به جدید است. در تنظیم منابع، ابتدا مراجع فارسی و سپس مراجع خارجی به صورت پیوسته شماره گذاری شوند. در مورد مقاله، نام خانوادگی و نام نگارنده، تاریخ انتشار مقاله، عنوان اختصاری یا کامل مجله شماره جلد در داخل پرانتز و شماره اولین و آخرین صفحه مقاله خواهد آمد.

در تنظیم فهرست منابع برای کتاب و مقاله از الگوی زیر پیروی می شود - برای مثال حبیبی کاسب، حسین، ۱۳۷۱، میانی خاکشناسی جنگل، انتشارات دانشگاه تهران،

شماره ۲۱۱۸، تهران، ۴۲۳ صفحه.

A.J.&C.De zeeuw. 1980 Textbook of wood Technology 4 th Ed., Mc Grawhill Inc New York., 722 pp.Panshin,

\* شیوه نگارش

مقاله در روی کاغذ سفید و به ابعاد ۲۸×۲۱ سانتی متر (A4) با تایپ زرنگار ارسال گردد.

هیئت تحریریه نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

فرم اشتراک نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

اینجانب  
مدت  
آدرس متقاضی:  
متقاضی اشتراک مجله برای  
سال می باشم.  
شغل:

شماره تلفن: